

استعاره مفهومی «روزگار» در نقشه‌المصدر زیدری نسوی

بر اساس نظریه زبانشناسی شناختی

دکتر مهدی ملک‌نابت، استاد دانشگاه یزد

mmaleksabet@yazd.ac.ir

زهرا دهقان دهنوی، دانشجوی دکتری ادبیات فارسی دانشگاه یزد.

zahra.dehghan.d@gmail.com

چکیده

در مباحث زبانشناسی شناختی، استعاره عنصری تنها زبانی و واژگانی نیست، بلکه فرایندهای تفکر انسان همگی استعاری‌اند و هر متن غیرادبی نیز می‌تواند دارای استعاره‌های متعدد باشد که با عنوان استعاره‌های مفهومی شناخته می‌شوند. نقشه‌المصدر اثری است از شهاب‌الدین محمد زیدری نسوی که در زمان حمله لشکریان مغول به ایران به منظور شرح سرگذشت خود و حوادث و اتفاقات این برهه تاریخی، با نثری مصنوع نوشته است. در این پژوهش مشخص شده است که استعاره مفهومی روزگار در ذهن و زبان زیدری نسوی موضوعی برجسته و قابل ردیابی است و در نگاشت‌های کلیدی این استعاره، روزگار موجودی است که سبب ایجاد مشکل، بلا، فتنه و سختی است و همچنین شایسته اعتماد نبوده ثبات و پایداری ندارد.

واژگان کلیدی: استعاره مفهومی؛ نقشه‌المصدر؛ زبانشناسی شناختی.

۱. مقدمه

بنا بر اصل پیوند تنگاتنگ زبان و تفکر، می‌توان دریافت که یکی از راه‌های درک و تحلیل نوع تفکر، تحلیل زبان اشخاص است. چراکه «تفکر و استدلال در مراحل عالی و بسیار مجرد از زبان غیرقابل تجزیه است» (باطنی، ۱۳۸۰: ۱۴۱) بنابراین، بررسی شیوه به کارگیری زبان در یک متن می‌تواند بیانگر افکار و احوال نویسنده آن متن باشد و برای به دست آوردن تحلیل دقیقی از درونمایه فکری نویسنده، می‌توان از طریق بررسی زبان متن اثر، به محدوده افکار او دست یافت. برای ورود به این تحلیل یکی از روش‌های کارآمد و درخور توجه، تحلیل استعاره‌های مفهومی موجود در زبان اثر است؛ چراکه یکی از کاربردهای استعاره مفهومی، در زمینه تحلیل‌های ایدئولوژیک است. استعاره مفهومی به عنوانی ابزاری در ذهن و زبان نویسنده، می‌تواند در بیان نوع ایدئولوژی صاحبان اثر و شرح و تبیین و یا برجسته‌سازی ایدئولوژی به آنان کمک کند. (رضایپور و آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱: ۹۱)

به باور دانشمندان علم زبانشناسی شناختی، برای درک صحیح استعاره‌های مفهومی باید دانش، بیولوژی فرهنگ و .. را در هر جامعه‌ای بررسی کرد و همچنین باید در نظر داشت که هر جامعه و فرهنگی متشکل از شماری خرده‌فرهنگ است. خرده‌فرهنگ‌ها اغلب خود را جدا از جریان اصلی فرهنگ می‌دانند و معمولاً می‌توانند بخشی از استعاره‌های موجود را بازتعریف و یا استعاره‌های جدیدی تولید کنند. در هر جامعه پیشرفته و پیچیده انسانی، خرده‌فرهنگ‌های بسیاری وجود دارد؛ مانند خرده‌فرهنگ‌های مذهبی، هنری، علمی، جنسیتی، و .. (هاشمی و قوام، ۱۳۹۲: ۸۰)

نقشه‌المصدر اثری است از شهاب‌الدین محمد زیدری نسوی (متوفی ۶۴۷ ق.)، منشی دربار سلطان جلال‌الدین منکبرتی که نویسنده آن را پس از حمله لشکریان مغول به ایران و به منظور شرح دادن حوادث و اتفاقاتی که در این برهه تاریخی بر او و مملکت ایران گذشته، نوشته است. (قزوینی، ۱۳۹۴: شصت و هفت - هشتاد و یک) سبک این کتاب شیوه نثر مصنوع است و در سراسر آن سجع، جناس، استعاره، وام‌گیری از اشعار و عبارات فارسی و عربی

دیده می‌شود. (یزدگردی، ۱۳۹۴: چهارد- بیست و شش) اگرچه استعاره به عنوان یک آرایه ادبی در متن این اثر کاربرد داشته است، این پژوهش سعی دارد با گذشتن از استعاره‌های ادبی، استعاره‌های مفهومی مربوط به روزگار را در ذهن و زبان نویسنده مشخص و تحلیل نماید.

۱-۱ روش تحقیق

طبق روش پژوهشگران حوزه زبانشناسی شناختی، دو رویکرد مهم برای تشخیص استعاره در متن وجود دارد. نخست تحلیل استعاره با رویکرد «بالا به پایین» است؛ یعنی این که محقق، از بیرون استعاره‌های مفهومی هر متن را مشخص کند و سپس به دنبال تعبیر زبانی یا استعاره‌های زبانی که موافق با نگاهت استعاره‌های مفهومی از پیش تعیین شده است بپردازد و شیوه دوم رویکرد پایین به بالا است به این معنا که محقق بدون فرض استعاره‌های مفهومی خاص به جستجوی کاربردهای استعاری کلمات بپردازد. در این رویکرد، استعاره‌های مفهومی از استعاره‌های زبانی مشتق می‌شوند.

این پژوهش از شیوه تحقیقی بالا به پایین سود برده است؛ بدین ترتیب که ابتدا استعاره‌های مفهومی مربوط به روزگار در نظر گرفته شده و سپس به بررسی آنها در متن پرداخته‌ایم.

۱-۲ پیشینه تحقیق

دربارۀ پیشینه مطالعات مربوط به استعاره مفهومی در ایران، باید اشاره کرد پیش از این پژوهش‌های متعددی در این زمینه صورت گرفته است که با نگاهی به بخشی از مقالات نوشته شده در این حوزه می‌توان گفت علی‌محمد مودنی و شهروز خنجری در مقاله «تحلیل برخی از استعاره‌های مفهومی فارسی با استفاده از الگوی شبکه‌ای و ادغام» (۱۳۹۳) به بررسی ویژگی‌های استعاره‌های مفهومی در قالب مثال‌های گوناگونی از ادبیات فارسی پرداخته‌اند؛ ارسلان گلفام، عالیه کردزعفرانلو و سیما حسندخت فیروز، در مقاله «استعاره زمان در شعر فروغ فرخزاد از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی» (۱۳۸۸)، به ذهنیت خلاقانه فروغ فرخزاد درباره عنصر زمان پرداخته‌اند؛ زهره هاشمی، در مقاله «زنجره‌های استعاری محبت تصوف» (۱۳۹۲)، ذهنیت صوفیان نسبت به عنصر محبت را تحلیل نموده است؛ همو و ابوالقاسم قوام، در مقاله «بررسی شخصیت و اندیشه‌های عرفانی بایزید بسطامی بر اساس روش استعاره شناختی» (۱۳۹۲)، عناصر شراب، آتش، سیل، فنا و نور را در اقوال بایزید بررسی و نمودار کرده‌اند؛ طاهره کریمی و ذوالفقار علامی در مقاله «استعاره‌های مفهومی در دیوان شمس»، عنصر استعاری خوردن را در ذهنیت مولانا تحلیل نموده‌اند؛ شهلا شریفی و زهرا حامدی شیروان در مقاله «بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در چهارچوب زبانشناسی شناختی» (۱۳۸۹)، انواع استعاره‌های به کار رفته در داستان‌های کودک و نوجوان و ارتباط آنها با درک و دریافت کودک را بررسی کرده‌اند؛ احمدرضا بیابانی و یحیی طالبیان در مقاله «بررسی استعاره جهت‌گیرانه و طرح‌واره‌های تصویری در شعر شاملو» (۱۳۹۱)، سیر به کار گرفتن بخشی از استعاره‌های مفهومی را در اشعار شاملو بررسی کرده‌اند؛ بی‌بی‌زهرا هاشمی، در مقاله «مفهوم ناکجاآباد در دو رساله سهروردی بر اساس نظریه استعاره شناختی» (۱۳۹۲)، استعاره مفهومی «ناکجاآباد» را در کلام سهروردی مورد بررسی قرار داده است. فرزانه سجودی و زهرا قنبری در مقاله «بررسی معناشناختی استعاره زمان در داستان‌های کودک» (۱۳۹۱)، شیوه کاربرد و القاء مفهوم زمان در داستان‌های کودکانه و ارتباط نوع کاربرد آن با نوع درک مخاطب را بررسی کرده است. آریتا افراشی، تورج حسامی و بناتریس سالاس در مقاله «بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی جهتی در زبان‌های اسپانیایی و فارسی» (۱۳۹۱)، اشتراکات دو زبان اسپانیایی و فارسی را در کاربرد استعاره‌های مفهومی جهتی نشان داده‌اند؛ عالیه کردزعفرانلو کامبوزیا و خدیجه حاجیان نیز در مقاله «استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی» (۱۳۸۹)، استعاره‌های مفهومی جهتی در قرآن را مورد بررسی قرار داده‌اند.

در زمینه پژوهش‌های مربوط به متن نغته‌المصدر اثر زیدری نسوی می‌توان گفت مجید سرمدی و علی عابدی، در مقاله «بررسی مفهومی و ساختاری آیات قرآن در نغته‌المصدر» (۱۳۹۲) ده شیوه به کارگیری یات قرآن در متن نغته‌المصدر را بررسی کرده اند؛ امید ذاکری کیش در مقاله «تحلیل محتوای غنایی نغته‌المصدر» (۱۳۹۴) محتوای نغته‌المصدر را از دیدگاه نوع ادبی غنایی بررسی کرده است؛ سیدحامد موسوی جروکانی و مجید سرمدی در مقاله «جریان سیال ذهن و انعکاس آن در نغته‌المصدر» (۱۳۹۲)، رگه‌هایی از جریان سیال ذهن را در محتوای روایی نغته‌المصدر دنبال کرده اند؛ محمد حکیم‌آذر در مقاله «تحلیل محتوای نغته‌المصدر نسوی» (۱۳۹۴) محتوای اخلاقی نغته‌المصدر را بررسی کرده است. علیرضا پورشبانان و سعید بزرگ‌بیگدلی در مقاله «بررسی ظرفیت‌های نمایشی نغته‌المصدر» (۱۳۹۰) قابلیت‌های بالقوه تبدیل متن به نمایش را در متن نغته‌المصدر بررسی کرده اند. محسن بتلاب اکبرآبادی و محمدعلی خزانه‌دارلو در مقاله «نمودهای رمانتسم در نغته‌المصدر» (۱۳۹۰) ویژگی‌های مکتب رمانتسم را نغته‌المصدر بررسی کرده اند؛ احمد فاضل در مقاله «درآمدی بر سخن‌آرایی و ظرافت‌های معنایی در نغته‌المصدر» (۱۳۸۸) به بررسی زیبایی شناسی لفظی و معنوی در متن نغته‌المصدر پرداخته است؛ زهرا ریاحی‌زمین و صدیقه جمالی در مقاله «نگاهی به تصویرپردازی در نغته‌المصدر» (۱۳۹۴) شگردها، کارکردها و انواع تصویرپردازی را در متن نغته‌المصدر بررسی کرده‌اند؛ محمود رنجبر و محمدعلی خزانه‌دارلو در مقاله «بررسی روایت و بن‌مایه‌های داستانی در نغته‌المصدر» (۱۳۹۱) برخی از ارکان روایت را در نغته‌المصدر نشان داده اند. صدیقه مهربان در مقاله «نگاهی تازه به ویژگی‌های زبانی و بلاغی نغته‌المصدر» (۱۳۹۰) به بررسی معناشناسانه آرایه‌های زبانی در متن نغته‌المصدر پرداخته است؛ احمد طحان در مقاله «نقد و بررسی زیباشناختی نغته‌المصدر» (۱۳۸۷) به انواع آرایه‌های لفظی و معنوی نغته‌المصدر و انواع سبک‌های نوشتاری آن پرداخته است؛ با وجود این باید توجه داشت مفهوم استعاره مفهومی همچنان برای فارسی‌زبانان مفهومی تازه است که باید منتظر بود با تحقیقات و پژوهش‌های بعدی به طور دقیق و منسجم در زبان فارسی شناخته، معرفی و بررسی گردد.

۳-۱ ضرورت تحقیق

به باور زبان‌شناسان، ماهیت استعاره مفهومی به طور کلی بیشتر جمعی و اشتراکی است تا فردی و بررسی سیر کاربرد و دگرگونی استعاره‌ها، می‌تواند به موضوع تغییر و تحولات اجتماعی و تحلیل‌های جامعه‌شناختی مرتبط باشد. (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۳۱) بدین ترتیب استفاده از این نوع پژوهش‌ها می‌تواند جهت روشن‌سازی برخی ابهامات مباحثی مانند سبک شناسی شناختی و تحلیل متون ادبی و نیز تعیین شیوه ذهنی و شناخت دقیق سبکی افراد، مفید باشد. (همان: ۱۳۳-۱۳۴) از آنجا که تابحال پژوهشی به بررسی استعاره مفهومی روزگار در متن نغته‌المصدر زیدری نسوی اختصاص نیافته است، می‌توان گفت این بررسی می‌تواند در تحلیل دیدگاه‌های این نویسنده مفید و قابل توجه باشد.

۴-۱ استعاره از دیدگاه سنتی

استعاره در کتب بلاغی قدیم، نوعی آرایه ادبی با جنبه زیبایی‌شناسانه است که صاحب اثر ادبی برای تزیین متن خود از آن بهره می‌گیرد؛ ارسطو معتقد است استعاره، در واقع همان مقایسه دو پدیده با یکدیگر توسط صاحب اثر ادبی است که وی یکی از آن دو پدیده را به وسیله واژه یا عبارتی به صورتی صریح بیان می‌کند و مخاطب اثر دیگری را از طریق واژه یا عبارتی که به صورت استعاری به کار رفته دریافت می‌کند. در اصل مطابق نظر ارسطو استعاره انتقال اسم چیزی به چیز دیگر است. (ارسطو، ۱۳۷۱: ۲۰۶) جرجانی، علاوه بر آن که استعاره را انتقال معنی از چیزی به چیز دیگر می‌داند، آن را برآوردی از تعامل معنایی بین دو چیز نیز دانسته است: (انوار و عبدالحسینی، ۱۳۸۹: صص ۱۳-۱۴) جز این تفاوت جزئی، استعاره در دیدگاه سنتی همچنان ماهیت زبانی و لغوی دارد. در سخن ادبی و بویژه شعر،

اهمیت استعاره تا جایی است که تعریف شعر را بر آن استوار کرده‌اند (شفیعی کدکنی ۱۳۷۸: ۷) و آن را یکی از ستون‌های کلام دانسته‌اند (همان: ۱۱۳). بنابراین از دیدگاه سنتی، از ابتدا تا کنون، استعاره در اصل یک آرایه ادبی از جنس تشبیه (و یا مجاز به علاقه تشبیه) است که به گونه‌ای موجزتر و هنری‌تر در کلام ادبی و بویژه شعر ظاهر می‌شود. (ر.ک. کزازی، ۱۳۶۸: ۹۴ و ۹۷؛ همایی، ۱۳۷۷: ۲۵۰؛ شمیسا، ۱۳۸۱: ۵۷) پس باید گفت در مجموع، در این دیدگاه، استعاره موضوعی زبانی که تنها در اشعار و متون ادبی و برای تزیین آن متون و اشعار ظهور می‌کند.

۵-۱ استعاره از دیدگاه معنی شناختی

معنی شناسی دانشی است که با مطالعه معنی، به دنبال کشف چگونگی عملکرد ذهن انسان در درک مفاهیم از طریق زبان است: (صفوی ۱۳۷۹: ۲۸ و بورشه و دیگران ۱۳۸۶: ۳۰۰) دانش معنی شناسی شناختی در مطالعات خود نقش عمده‌ای برای استعاره قایل شده است و آن را ابزار مناسبی برای تشخیص چگونه اندیشیدن و رفتارهای زبان می‌داند (صفوی ۱۳۷۹: ۳۶۹)

با رواج دیدگاه‌های مکتب ادبی رمانتیسیسم، جایگاه استعاره به عنوان یک عنصر زبانی مورد بازبینی قرار گرفت. کالریج به بار اندیشه و بعد تفکر در استعاره توجه نشان داد (هاوکس ۱۳۷۷: ۵۸-۵۹) و سپس دیگران نیز معنا و کشف آن را مهمترین مسأله در بلاغت دانستند (ریچاردز، ۱۳۸۲: ۴۷) زبان‌شناسی شناختی به عنوان رویکردی علمی که زبان را وسیله‌ای برای سازماندهی، پردازش و انتقال اطلاعات می‌داند معناشناسی در تجزیه و تحلیل‌های زبانی را در اولویت قرار داد (گلفام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۱: ۱ و ۲) و به استعاره همچون یک ابزار و قالب روان‌شناسی زبان نگریست که سازکار اصلی آن چندمعنایی بودن هر کلمه است (قاسم‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۵-۲۶) از نظر این علم، استعاره فهم و بیان مفهومی انتزاعی در قالب مفهومی ملموس‌تر است و اساس استعاره، درک و تجربه یک عنصر ناشناس بر اساس یک عنصر آشنا است. علم شناخت استعاره مفهومی معتقد است که استعاره عنصری تنها زبانی و واژگانی نیست، بلکه فرایندهای تفکر انسان همگی استعاری‌اند؛ نظام تصویری ذهن انسان بر مبنای استعاره قرار دارد و استعاره به این دلیل که در اصل، ریشه در نظام تصویری ذهن انسان دارد، می‌تواند به عنوان یک بیان زبانی میسر شود. بنابراین بُعد زبانی هر استعاره، ابزاری است برای درک حقیقت مفهوم آن استعاره؛ (گلفام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۱: ۵) در مجموع باید گفت استعاره، تنها موضوعی زبانی نیست بلکه موضوعی ذهنی و فکری است و زمینه ظهور آن نیز تنها متن ادبی یا نیست بلکه در هر نوع متن یا گفتاری ظهور می‌کند و چگونگی تعامل ذهن افراد با محیط را به نمایش می‌گذارد. (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱۲۰)

۲. جایگاه استعاره مفهومی روزگار در نفثه‌المصدر

در زبان شناسی اجتماعی زبان مبنای مفاهیم است و نیروهای اجتماعی به مثابه نیروهایی‌اند که بر زبان تأثیر می‌گذارند: (ژان کالوه ۱۳۷۹: ۱۶۵) بر طبق نظریات زبان‌شناسی شناختی، استعاره‌های شناختی برخاسته از درک تجسم یافته و تجربه حضور فیزیکی ما در جهان هستند و که در این درک تجسم یافته ما به مثابه اشیای فیزیکی به درون و بیرون از فضاهایی که ما را در بر می‌گیرند حرکت می‌کنیم (فریمن، ۱۳۹۰: ۲۸۴) و تجربیات خود را از این حرکت به صورت برداشت‌هایی استعاری در ذهن ثبت می‌کنیم. «برخی از مهمترین عوامل غیرزبانی که در پیدایش این پدیده‌های زبانی موثر شناخته شده‌اند عبارتند از: منطقه جغرافیایی؛ طبقه اجتماعی؛ جنسیت؛ قومیت؛ سن؛ تحصیلات و... (مدرسی ۱۳۶۸: ۱۴۰) و در واقع جغرافیا و محیط زندگی افراد از عواملی است که در شکل دهی به نظام زبانی و به طور اخص استعاره‌های مفهومی نقش برجسته دارد.

در بررسی متن نفثه‌المصدر، مشاهده می‌کنیم اسنادهای مجازی به عناصر غیر انسانی در این متن به فراوانی یافت می‌شوند؛ یکی از عناصری که بارها مورد اسناد مجازی قرار گرفته وقایع و افعالی به آن نسبت داده شده است عنصر

روزگار است. به نظر می‌رسد عنصر روزگار در ذهن و زبان زیدری نسوی، دارای توانایی، قدرت و اختیاراتی است که می‌تواند عامل و منشاء بسیاری از پدیده‌ها باشد. در این پژوهش سعی شده است با استخراج استعاره‌های مفهومی مربوط به روزگار، محدوده این قدرت و عاملیت مورد دقت و بررسی قرار گیرد.

باید اشاره کرد در این بررسی تنها اسنادهای مجازی مربوط به روزگار، که با نام‌های روزگار، ایام، لیلالی، دهر، زمان و زمانه از آن نام برده شده است در دایره بحث قرار گیرند و از وارد کرن عناصر دیگر مانند تقدیر، (۲، ۱۷)، بخت (۳۹، ۵۱، ۵۵، ۹۰، ۱۲۲)، حادثه و مشتقات آن (۷۲، ۷۶، ۹۵، ۱۰۴)، فلک و مترادف‌های آن (۴۸، ۴۹، ۱۱۵)، جهان و مترادف‌های آن (۴۹، ۸۷، ۱۱۲، ۱۱۸) قضا و قدر و مشتقات آن (۵۳، ۷۲، ۷۴، ۷۷)، بخت و خوشبختی و مترادف‌های آن (۷۳، ۸۵، ۹۲، ۱۲۲) به موضوع مورد بحث صرف نظر شده است.

۱-۲ بررسی نگاشت‌های مربوط به استعاره مفهومی روزگار در نفثه‌المصدر:

در هر استعاره مفهومی مجموعه‌ای از روابط میان دو قلمرو حسی و ذهنی دیده می‌شود که به صورت متناظر نسبت به هم قرار دارند این رابطه نگاشت نام دارد. (هاشمی، ۱۳۹۲: ۲۴۱) و در واقع «نظریه استعاره از طریق تعیین مشخصات نگاشت‌های بین حوزه‌های ذهنی تحقق یافته است» (لیکاف، ۱۳۸۲: ۱۹۷) در بررسی استعاره‌های مفهومی مربوط به روزگار در متن نفثه‌المصدر ابتدا با تعداد ۲۵ نگاشت روبرو می‌شویم که به ترتیب ظهور در متن از این قرارند:

۱. سیلاب جفای ایام، سرهای سروران را جفای خود گردانیده. (۱)
نگاشت: روزگار جدا کننده سرهای سروران است.
۲. بارسالار ایام، چون بار حوادث در هم بسته، تیغ به سرباری در بار نهاده. (۱)
نگاشت: روزگار در کنار حوادث خود شمشیر دارد.
۳. آبستن لیلی را هر لحظه [...] نو به نو، بلایی زاید. (۲)
نگاشت: روزگار بلا می‌زاید.
۴. دور روزگار دُردی درد در داده (۵).
نگاشت: روزگار درد دهنده است.
۵. روزگار بی‌مجاملت که خرمن ارتفاع را [...] به باد ضیاع برداد، و آب رویی [...] مانند آب جوی ریخت. (۷)
نگاشت: روزگار بدرفتار است.
۶. روزگار بی‌مجاملت که خرمن ارتفاع را [...] به باد ضیاع برداد، و آب رویی [...] مانند آب جوی ریخت. (۷)
نگاشت: روزگار حاصل و دارایی را به باد می‌دهد.
۷. روزگار بی‌مجاملت که خرمن ارتفاع را [...] به باد ضیاع برداد، و آب رویی [...] مانند آب جوی ریخت. (۷)
نگاشت: روزگار آبرو ریز است.
۸. ای روزگار بیکار باش چون جعبه پیرداختی. (۵۰)
نگاشت: روزگار شعبده‌باز است.
۹. تصاریف روزگار و لگدکوب دهر غدار. (۶۸)
نگاشت: روزگار گردش (تغییر) کننده است.
۱۰. تصاریف روزگار و لگدکوب دهر غدار. (۶۸)
نگاشت: روزگار حيله‌گر است.
۱۱. تغاییر احداث زمان. (۷۸)

- نگاشت: حوادث روزگار تغییرکننده است.
۱۲. وَلِلَّهِ هَذَا الدَّهْرُ كَيْفَ تَرَدَّدَا. (۶۸-۶۹)
- نگاشت: روزگار تغییرکننده است.
۱۳. إِذَا الْعَيْشُ غَضُّهُ وَالزَّمَانُ بِمَائِهِ وَفِي حَدَثَانِ الدَّهْرِ عَنْكَ غُفُولٌ
- نگاشت: روزگار دارای حوادث است.
۱۴. دو سه تیر که از جعبه حوادث انداختنی بود. (۷۲)
- نگاشت: روزگار تیرانداز است.
۱۵. از بدآمد روزگار [...] جمال علی عراقی پیش از من، بنده، آنجا رسیده بود. (۷۵)
- نگاشت: روزگار دارای حوادث بد است.
۱۶. شَبُّ مُظْلِمٍ رَا رَوْزَهَا زِ أَنْ تَارِيكَتَرِ دَرِ پِي اِسْت. (۸۸)
- نگاشت: روزگار تاریک است.
۱۷. سَاقِي اَيَامٍ، دُرْدِي دَرْدَ بَازِ پَسِ گِرْفْتِه اِسْت؛ بَعْدَ زِ اَيْنِ دَرِ خَوَاهِدِ دَاد. (۸۸)
- نگاشت: روزگار به درد آورنده است.
۱۸. مَوَاعِدٌ لِلاَيَّامِ فِيَّ. (۸۹)
- نگاشت: روزگار وعده دهنده و وامدار است.
۱۹. ضَمَانٌ عَلَيَّ الْاَيَّامِ مَا اَنَا طَالِبٌ. (۹۰)
- نگاشت: روزگار تضمین کننده و وامدار است.
۲۰. يُهِمُّ اللَّيَالِي بَعْضُ مَا اَنَا مُضْمِرٌ وَ يُثْقِلُ رُضْوَى دُونُ مَا اَنَا حَامِلٌ (۱۰۹)
- نگاشت: روزگار اندوهناک است.
۲۱. مَهِيْرَةُ اَيَامٍ كِه اَزْمِهْرَم بَه جَان مِي نِهَاد رَات وَخَطَّ شَيْبٍ فِي عِذَارِي، فَصَدَّتْ. (۱۱۲)
- نگاشت: روزگار زن بی وفا است.
۲۲. دري نبست زمانه که دیگری نگشاد (۱۱۵)
- نگاشت: روزگار دارای فتنه‌های بی پایان است.
۲۳. فَشُكِرَ الدَّهْرُ يَقْضِي بِالْفِرَاقِ. (۱۱۸)
- نگاشت: روزگار مسبب جدایی است.
۲۴. حَالِ اَنْ دَوْسْتِ دَسْتَخُوشِ تَصَارِيْفِ دِهْرِ اَيَا بَه چِه رَسِيْدِه اِسْت؟ (۱۲۲)
- نگاشت: روزگار تغییر کننده است.
۲۵. از بوالعجب بازی ایام دست پاک و حقه تهی مانده ام. (۱۲۲)
- نگاشت: روزگار شعبده باز است.

۱-۲-۱-۱ نگاهت‌های کلی مربوط به استعاره مفهومی روزگار:

به نظر می‌رسد نگاهت‌های مربوط به استعاره مفهومی روزگار را می‌توان در پنج نگاهت کلی تر جای داد.

روزگار جنگجو است:

این نگاهت کلی، نگاهت‌های شماره ۱، ۲ و ۴ را در بر می‌گیرد:

۱- نگاهت روزگار جدا کننده سرهای سروران است.

۲- نگاهت روزگار در کنار حوادث خود شمشیر دارد.

۱۴نگاشت: روزگار تیرانداز است.

روزگار سبب بلا و مشکل است:

این نگاشت کلی، انگاره‌های شمارهٔ ۳، ۱۳، ۱۵، ۴، ۵، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۳، ۲۴ و ۷ را بر داشته از نظر تعداد، بالاترین بسامد را در متن مورد نظر دارد.

۳نگاشت: روزگار بلا می‌زاید.

۱۳نگاشت: روزگار دارای حوادث است.

۱۵نگاشت: روزگار دارای حوادث بد است.

۴نگاشت: روزگار درد دهنده است.

۵نگاشت: روزگار بدرفتار است.

۱۶نگاشت: روزگار تاریک است.

۱۷نگاشت: روزگار به درد آورنده است.

۲۰نگاشت: روزگار اندوهناک است.

۲۳نگاشت: روزگار دارای فتنه‌های بی‌پایان است.

۲۴نگاشت: روزگار مسبب جدایی است.

۷نگاشت: روزگار آبرو ریز است.

روزگار فریبکار است:

این نگاشت کلی، نگاشت‌های شمارهٔ ۸، ۲۶ و ۱۰ را شامل می‌شود.

۸نگاشت: روزگار شعبده‌باز است.

۲۶نگاشت: روزگار شعبده‌باز است.

۱۰نگاشت: روزگار حيله‌گر است.

روزگار بی‌ثبات است:

این نگاشت کلی شامل نگاشت‌های شمارهٔ ۹، ۱۱، ۱۲، ۲۵ و ۲۲ می‌شود.

۹نگاشت: روزگار گردش (تغییر) کننده است.

۱۱نگاشت: حوادث روزگار تغییرکننده است.

۱۲نگاشت: روزگار تغییرکننده است.

۲۵نگاشت: روزگار تغییرکننده است.

۲۲نگاشت: روزگار زن بی‌وفا است.

روزگار سبب بی‌حاصلی است:

۶نگاشت: روزگار حاصل و دارایی را به باد می‌دهد.

۱۸نگاشت: روزگار وعده دهنده و وامدار است.

۱۹نگاشت: روزگار تضمین کننده و وامدار است.



انجمن علمی زبان ادبی فارسی

۲-۱-۲ نگاهی‌های کلی‌تر مربوط به استعاره مفهومی روزگار در متن نفثه‌المصدور:

مطابق با دسته‌بندی بالا، استعاره مفهومی روزگار در پنج نگاه کلی جنگجو، سبب بلا و مشکل، فریبکار، بی‌ثبات و سبب بی‌حاصلی قرار می‌گیرد. در یک دسته‌بندی کلی‌تر می‌توان نگاه‌های کلی‌تر زیر را برای این استعاره‌های مفهومی پیشنهاد داد:

نگاشت کلی‌تر روزگار سبب بلا و مشکل و سختی است:

که نگاه‌های کلی جنگجو، سبب بلا و مشکل، و سبب بی‌حاصلی را در خود جای می‌دهد.

نگاشت کلی‌تر روزگار غیرقابل اعتماد است:

که نگاه‌های کلی فریبکار و بی‌ثبات را در خود جای می‌دهد.

۲-۱-۳ تحلیل نگاه‌های کلی استعاره مفهومی روزگار در نفثه‌المصدور:

در نگاهی کلی به نظر می‌رسد روزگار در ذهن و زبان زیدری نسوی موجودی است که انسان‌ها را گرفتار انواع مشکلات و سختی‌ها می‌کند و همچنین به سبب فریبکاری و دگرگون شدن، موجودی غیرقابل اعتماد است. به طور کلی دیدگاه زیدری نسوی درباره روزگار را به این صورت می‌تواند تحلیل نمود که در مرحله اول در ذهن و زبان او روزگار موجودی دارای قدرت و اختیار در نظر گرفته شده است. این موجود توسط قدرت برتری مواخذه نمی‌شود و یا باکی از مواخذه ندارد؛ بنابراین به عهد و رسمی پایبند نمی‌ماند و از هیچ گونه جور و ستمی در حق آدمیان دریغ ندارد. این موجود ستیزنده است و از کشتن انسان نیز باکی ندارد؛ فریبکار است و در فریب دادن آدمیان از هر حربه‌ای بهره می‌گیرد؛ قدرت‌مند است و می‌تواند حاصل و دارایی انسان‌ها را به باد دهد؛ سراسر سختی و بدی و غم و اندوه است و شادمانی و کامروایی با خود ندارد.

این تصویر موجودی است با عنوان روزگار که در ذهن و زبان زیدری نسوی قابل مشاهده است؛ اما اگر بخواهیم نظری اجمالی به دلایل قرار گرفتن چنین تصویری از روزگار در ذهنیت وی داشته باشیم، ناگزیر از بررسی این استعاره مفهومی در زمینه‌های فکری، ادبی، فرهنگی، اجتماعی و شخصی خواهیم بود.

شاید یکی از برجسته‌ترین دریافت‌هایی که از وجود چنین تصویری درباره روزگار ممکن است داشته باشیم، توجه به نزدیکی چنین تصویری با موضوع جبرگرایی است. یعنی تفکر جبری که شاید در دوره زندگی نویسنده (دوره غلبه مغول) بسیار مورد توجه و فراگیر بوده است.

اما دیگر عاملی که ممکن است در ایجاد چنین تفکری سهیم باشد، رسم و عرف کلی ادبیات فارسی است؛ برای به دست دادن تصویری واضح از این رسم یا فرهنگ رایج ادبی باید گفت چنین تصویری از روزگار در شعر بسیاری از شاعران پارسی‌گو مانند مولوی، سعدی و حافظ نیز یافت می‌شود. ۱. بنابراین زمینه‌های ادبی و فرهنگی نیز می‌توانند از عامل ایجاد چنین تصویری مؤثر باشند.

و اما نکته دیگری که شاید بتواند عامل بروز چنین تصویری در زبان زیدری نسوی باشد، پرهیز او از بیان اسنادهای حقیقی است. در واقع شاید بتوان گفت زیدری نسوی برای پرهیز از محکوم کردن و مقصر دانستن فرمانروایان زمانه خود، ناگزیر بیشترین تقصیرها را به گردن روزگار انداخته و روزگار را مسبب ظلم و ستمی که در آن روزگار بر آدمیان رفته دانسته است و انتقاد از سلطان را در چنین لفافه‌ای قرار داده است. (ثروت، ۱۳۹۱: ۳۲) از

۱. برای نمونه ر.ک. سعدی کلیات، با استفاده از تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: اقبال، صص ۳۱۰، ۴۲۸، ۴۳۵، ۴۷۳، ۴۸۶ و حافظ (۱۳۷۲)، دیوان، به اهتمام ابوالقاسم انجوی شیرازی، تهران: جاویدان، چ ۸، صص ۲۱۵، ۲۲۳، ۲۲۵ و ۳۸۵ و مولوی، جلال‌الدین محمد، (۱۳۵۵) کلیات دیوان شمس، تهران: امیرکبیر، چ ۵، صص ۵۰۹ و ۸۵۵.

سوی دیگر می‌توان گفت محکوم کردن روزگار و قدرت و توانایی ستمکاری را به او محول کردن، به نوعی می‌تواند در راستای مصنوعیت از تفکرات کفرآمیز نیز باشد؛ بدین ترتیب که فرد قدرتی ماوراءالطبیعه را که دخالت مستقیم در سرنوشت انسان‌ها دارد مقصرخوانده است بی‌آن که مجبور شود این تقصیر را به ذات پروردگار نسبت داده دچار کفرگویی شود.

۳. نتیجه:

استعاره‌های مفهومی مربوط به روزگار از برجسته‌ترین استعاره‌های مفهومی به کار رفته در متن نغته‌المصدر زیدری نسوی محسوب می‌شوند که در بررسی این پژوهش تعداد ۲۵ مورد از این نوع استعاره یافت و بررسی شد. مطابق با این استعاره‌ها می‌توان گفت در نگاشت‌های این استعاره مفهومی چنین برداشت می‌شود که روزگار موجودی است جنگجو که مسبب بلاها و مشکلاتی است که بر سر انسان‌ها می‌آید و همچنین عامل بی‌حاصلی انسان‌ها از دسترنج عمرشان است؛ همچنین این موجود بسیار فریبکار و بی‌ثبات است که مدام در گردش و تغییر بوده و به انواع حیل سعی در فریب انسان‌ها دارد؛ به طور کلی روزگار موجودی است عامل سختی و غیرقابل اعتماد که مانع راحتی و خوشبختی انسان‌ها می‌شود.

دلایل بروز چنین استعاره‌ای در ذهن و زبان زیدری نسوی را می‌توان عوامل گوناگون فرهنگی، ادبی، فکری و اجتماعی دانست؛ از باب ادبی و فرهنگی باید گفت وجود استعاره‌های مفهومی مشابه در اشعار چند شاعر پارسی‌گوی دیگر نشان می‌دهد چنین تصویری از روزگار با عرف فرهنگی ادبیات فارسی بیگانه نیست؛ در زمینه اجتماعی نیز باید گفت تفکر جبرگرایانه (تفویض اختیار به روزگار) در دوران زندگی زیدری نسوی (دوره حمله مغول) امری رایج بوده و همچنین از باب فکری باید گفت نسبت دادن امور ناخوشایند به روزگار می‌تواند نویسنده را از افشاء حقیقت تقصیر فرمانروایان معاف بدارد و همچنین او را از بیانات کفرگرایانه و نسبت دادن امور ناخوشایند به قدرت الهی مبرا کند.

منابع:

- ارسطو؛ ریطوریکا (فن خطابه)؛ ترجمه پرخیده ملکی. تهران: اقبال، ۱۳۷۱.
- افراشی آزینا، تورج حسامی و بناتریس سالاس؛ «بررسی تطبیقی استعاره‌های مفهومی جهت‌دز زبان‌های اسپانیایی و فارسی»؛ فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی ۳ ش ۴ (پیاپی ۱۲)، (۱۳۹۱)؛ صص ۱-۲۳.
- انوار، امیرمحمود و حسن، عبدالحسینی؛ «بررسی تطبیقی استعاره از دیدگاه عبدالقاهر جرجانی و آریو آرمسترانگ ریچاردز»؛ فصلنامه علمی پژوهشی بهارستان سخن، سال ۶ ش ۱۶، (۱۳۸۹)؛ صص ۵۹-۸۰.
- باطنی، محمدرضا؛ زبان و تفکر؛ چ ۷، تهران: آبان‌گاه، (۱۳۸۰).
- بتلاب‌اکبرآبادی، محسن و محمدعلی، خزانه‌دارلو؛ «نمودهای رمانتیسم در نغته‌المصدر»؛ پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، س ۳، ش ۳، پیاپی ۱۱، (۱۳۹۰)؛ صص ۴۷-۶۰.
- بورشه، ت و دیگران؛ زبانشناسی و ادبیات؛ ترجمه کوروش صفوی، تهران: هرمس، (۱۳۸۶).
- پورشبانان، علیرضا و سعید، بزرگ‌بیگدلی؛ «بررسی ظرفیت‌های نمایشی نغته‌المصدر»؛ پژوهش‌های ادبی، س ۸، ش ۳۳، پاییز، (۱۳۹۰)؛ صص ۳۵-۵۶.
- ثروت، منصور؛ «شرح حال نویسنده»، مندرج در: درد دل (تحریر نوین نغته‌المصدر)، منصور ثروت، تهران: علمی، ۱۳۹۱؛ صص ۱۳-۳۸.
- حکیم‌آذر، محمد؛ «تحلیل محتوای نغته‌المصدر نسوی» پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، س ۷، ش ۲۷، پاییز، (۱۳۹۴)؛ صص ۱۵۲-۱۸۲.

- ذاکری کیش، امید؛ «تحلیل محتوای غنایی نفثه‌المصدر» پژوهشنامه ادب غنایی، س ۱۳، ش ۲۴، بهار و تابستان. (۱۳۹۴)؛ صص ۹۷-۱۱۶.
- رضاپور، ابراهیم و فردوس آقاگل‌زاده؛ «نقش استعاره در برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ایدئولوژی در روزنامه‌های داخلی»؛ زبان پژوهی، سال چهارم، ش ۷، پاییز و زمستان. (۱۳۹۱)؛ صص ۶۷-۹۴.
- رنجبر، محمود و محمدعلی، خزانه‌دارلو؛ «بررسی روایت و بن‌مایه‌های داستانی در نفثه‌المصدر»؛ کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، ش ۲۵، پاییز و زمستان. (۱۳۹۱)؛ صص ۸۷-۱۱۴.
- ریچاردز، ا. آرمسترانگ؛ فلسفه بلاغت، ترجمه علی محمدی آسیابادی، تهران: قطره، (۱۳۸۲).
- ریاحی، زهرا و جمالی، صدیقه؛ «نگاهی به تصویرپردازی در نفثه‌المصدر»، متن‌شناسی ادب فارسی، دوره جدید، ش ۳، پیاپی ۲۷، پاییز، (۱۳۹۴)؛ صص ۱-۱۸.
- زاهدی، کیوان و عصمت، دریکوند؛ «استعاره‌های شناختی در نثر فارسی و انگلیسی»؛ نقد زبان و ادبیات خارجی دوره ۳ ش ۶، (۱۳۹۰)؛ صص ۸۷-۱۰۶.
- زیدری نسوی، شهاب‌الدین محمد؛ نفثه‌المصدر؛ تصحیح و توضیح امیرحسین یزدگردی، تهران: توس، ۱۳۹۴.
- ژان کالوه، لویی؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان؛ ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نقش جهان، (۱۳۷۹).
- سرمدی، مجید و علی عابدی؛ «بررسی مفهومی و ساختاری آیات قرآن در نفثه‌المصدر»؛ پژوهش‌های ادبی-قرآنی، س ۱، ش ۴، زمستان (۱۳۹۲).
- شفیعی کدکنی، محمدرضا؛ صور خیال در شعر فارسی؛ ج ۷، تهران: آگاه، (۱۳۷۸).
- شمیسا، سیروس؛ بیان و معانی؛ تهران: فردوس، (۱۳۸۱).
- صفوی، کوروش؛ درآمدی بر معنی‌شناسی؛ تهران: سوره مهر، (۱۳۷۹).
- طحان، احمد؛ «نقد و بررسی زیباشناختی نفثه‌المصدر»؛ پژوهش‌های ادبی، ش ۱۹، بهار. (۱۳۸۷)؛ صص ۸۹-۱۱۶.
- فاضل، احمد؛ «درآمدی بر سخن‌آرایی و ظرافت‌های معنایی در نفثه‌المصدر»؛ پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، س ۱، ش ۳، پاییز. (۱۳۸۸)؛ صص ۱۱۱-۱۲۶.
- فریمن، مارگارت اچ؛ «شعر و حوزه استعاره» مندرج در استعاره و مجاز با رویکردی شناختی گردآوری آنتونیو بارسلونا ترجمه فرزانه سجودی و دیگران تهران: نقش جهان، (۱۳۹۰).
- قاسم‌زاده، حبیب‌الله؛ استعاره و شناخت؛ تهران: فرهنگان، (۱۳۷۹).
- قزوینی، محمد؛ «مطبوعات جدید (نفثه‌المصدر)»؛ مندرج در نفثه‌المصدر شهاب‌الدین محمد زیدری نسوی، تصحیح و توضیح امیرحسین یزدگردی، تهران: توس، چ ۴، ۱۳۹۴، صص چهل و دو - هشتاد و یک.
- کردزعفرانلو کامبوزیا، عالیه و خدیجه حاجیان؛ «استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی»؛ نقد ادبی س ۳ ش ۹، (۱۳۸۹)؛ صص ۱۱۵-۱۳۹.
- کزازی، جلال‌الدین؛ بیان، زیبایی‌شناسی سخن پارسی؛ تهران: مرکز، (۱۳۶۸).
- گلفام، ارسلان و فاطمه یوسفی‌راد؛ «زبان‌شناسی شناختی و استعاره»؛ تازه‌های علوم شناختی، سال ۴، ش ۳، (۱۳۸۱)؛ صص ۵۹-۶۴.
- لیکاف، جورج؛ «نظریه معاصر استعاره» استعاره مبنای تفکر و زیبایی‌آفرینی، ترجمه گروه مترجمان، به کوشش فرهاد ساسانی تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی سوره مهر، (۱۳۸۲).
- _____ و مارک جانسون؛ استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم؛ ترجمه هاجر آقاابراهیمی. تهران: علم، (۱۳۹۴).
- مدرسی، یحیی؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان؛ تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، (۱۳۶۸).

موسوی جروکانی، سیدحامد و مجید سرمدی؛ «جریان سیال ذهن و انعکاس آن در نفثه‌المصدر»؛ فصلنامه زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی سنندج، س ۵، ش ۱۶، پاییز. (۱۳۹۲)؛ صص ۱۵۵-۱۷۸.

مهربان، صدیقه؛ «نگاهی تازه به ویژگی‌های زبانی و بلاغی نفثه‌المصدر»؛ بهار ادب، س ۴، ش ۴، پیاپی ۱۴، (۱۳۹۰).

هاشمی، زهره؛ «نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون»؛ ادب پژوهی، ش ۱۲، (۱۳۸۹)؛ صص ۱۱۹-۱۴۰.

_____؛ «مفهوم ناکجاآباد در دو رساله سهروردی بر اساس نظریه استعاره شناختی»؛ فصلنامه جستارهای زبانی، دوره ۴، ش ۳ (پیاپی ۱۵)، (۱۳۹۲)؛ صص ۲۳۷-۲۶۰.

_____ و ابوالقاسم قوام؛ «بررسی شخصیت و اندیشه‌های عرفانی بایزید بسطامی بر اساس روش استعاره شناختی»؛ مجله علمی پژوهشی جستارهای ادبی، ش ۱۸۲، (۱۳۹۲)؛ صص ۷۵-۱۰۴.

هاوکس، ترنس؛ استعاره؛ ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز، (۱۳۷۷).

همایی، جلال‌الدین؛ بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما، (۱۳۷۷).

یزدگردی، امیرحسین؛ «مقدمه مصحح»، مندرج در نفثه‌المصدر شهاب‌الدین محمد زیدری نسوی، تصحیح و توضیح امیرحسین یزدگردی، تهران: توس، چ ۴، ۱۳۹۴، صص یک - سی و پنج.

سعدی؛ کلیات؛ تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: اقبال، (۱۳۹۴).

حافظ؛ دیوان؛ به اهتمام ابوالقاسم انجوی شیرازی، تهران: جاویدان، (۱۳۷۲).

مولوی، جلال‌الدین محمد؛ کلیات دیوان شمس؛ تهران: امیرکبیر، (۱۳۵۵).



انجمن علمی زبان و ادب فارسی